



راهکار وحدت امت همراه با ویژگی هدایت، در نگاه قرآن و سنت

حسین احسانی فر^۱

چکیده

قرآن کریم، مسلمانان را به وحدت دعوت کرده است. پیامبر ﷺ، پیش‌بینی کرده بودند که پس از ایشان، بین امت، اختلاف‌هایی ایجاد شود. از این رو قرآن کریم و پیامبر ﷺ، راهکار حفظ وحدت و رهایی از اختلاف را بیان فرمودند. پیروی از کتاب و سنت، تضمین‌کننده سعادت امت بوده و همان‌گونه که در گذشته می‌توانست نجات‌بخش از اختلافات باشد، امروزه نیز کارآیی دارد. تاکنون درباره وحدت امت اسلامی مباحث بسیاری مطرح شده است. ریشه‌های اختلاف، راهکارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی رفع اختلاف، اشتراکات امت اسلامی، وحدت در دفاع از مشترکات و موضوعاتی از این دست، شاکله نگاشته‌های پیشینی را می‌سازد. نگاشته کنونی وحدت را به دو گونه «همراه با هدایت» و «بدون هدایت» تقسیم کرده است. آنگاه راهکار وحدت همراه با ویژگی هدایت را تبیین می‌کند. در این مقاله ابتدا پیش‌بینی قرآن کریم و پیامبر ﷺ درباره اختلاف میان امت، مطرح شده، سپس انگیزه‌ها و ویژگی‌های اختلاف‌افکنان بر اساس نصوص، ذکر می‌شود. بخش سوم به تبیین چاره کتاب و سنت برای رهایی از اختلاف، اختصاص دارد.

واژگان کلیدی

گونه‌های وحدت، ریشه اختلاف امت، اندیشه تقریب، اهل بیت علیهم‌السلام محور وحدت اسلامی، کنفرانس تقریب، کلام نقلی، معارف قرآن و حدیث

درآمد

قرآن کریم بزرگ‌ترین منادی مسلمانان به یکپارچگی بوده است. پیامبر ﷺ نیز همواره بر این اصل قرآنی پای می‌فشرده‌اند. امروزه به برکت انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی

۱. پژوهشگر و نویسنده حوزه علمیه قم.

رحمة الله علیه، دعوت به وحدت یکی از پرطرفدارترین اندیشه‌های مسلمانان است. اکنون اندیشمندان اسلامی، ضرورت وحدت را برای مقابله با دشمنان قرآن و پیامبر دریافته‌اند. سالانه همایش‌های مختلفی برای نزدیک کردن دیدگاه اهالی اسلام در کشورهای مختلف و به‌ویژه در ایران برگزار می‌شود که هر یک برای نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر سودمند است.

پرسش اصلی این پژوهش، راهکار قرآن و سنت نسبت به چگونگی وحدت است. آیا قرآن کریم و پیامبر ﷺ، پس از دعوت به وحدت، راهکار آن را تبیین کرده‌اند؟ این راهکار، کدام است؟ ویژگی آن چیست؟ هدف نگاشته کنونی بازپردازی راهکار قرآن و سنت در ایجاد وحدت بین امت است.

پیشتر، نگاشته‌های مختلفی در موضوع وحدت امت اسلامی منتشر شده که هر یک در بردارنده نکات مفیدی است. برای نمونه مقاله «راهکارهای قرآنی وحدت و تقریب» از عبدالصمد مرتضوی به موضوعاتی چون اعمال عبادی مشترک، رجوع به قرآن و سنت و توجه به فواید وحدت به‌عنوان راهکار رفع اختلاف پرداخته است. مقاله «ضرورت و راهکارهای وحدت مسلمانان و تشکیل تمدن نوین اسلامی» از حسن مهرنیا موضوعاتی چون گردآوری تراث تمدن اسلامی، تغییر شیوه‌های آموزشی، بهره‌بردن از رسانه‌ها، ارتباط عالمان دینی، شناسایی عوامل فتنه، گسترش زبان عربی و اموری از این دست را به‌عنوان راهکارهای وحدت امت اسلامی آورده است. مقاله «سیره اهل بیت علیهم السلام در ایجاد وحدت میان مسلمانان» از سید حسن فلاحیان، موضوعاتی چون صبر و سکوت، مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز، پرهیز از توهین و تحمّل عقاید دیگران را به‌عنوان راهکار رسیدن به وحدت مطرح کرده است.

پژوهش حاضر پس از بررسی آیات کریمه و روایات شریفه نبوی، دو گونه از وحدت را معرفی و یک گونه را تحلیل و تبیین می‌کند. «وحدت» می‌تواند همراه با «هدایت» باشد و سعادت امت را تضمین کند و می‌تواند بدون «هدایت» بوده و در واقع «وحدت»، به هر قیمت» باشد. گونه نخست «وحدت» مراتبی دارد و می‌تواند نسبی باشد؛ یعنی همراه با نسبتی از «هدایت» که به همان میزان، همراه با نسبتی از «سعادت» خواهد بود. اما گونه دوم، وحدتی است که «هدایت» را در بنیان خویش نداشته و راه گمراهی خواهد بود. «وحدت بر محور اهل بیت علیهم السلام» نگره‌ای است که از جانب رسول الله ﷺ رسیده و پایه آن، هدایت امت است. به میزان پایبندی به چنین وحدتی، می‌توان سعادت امت را تضمین کرد. این نگاه، نیازمند پردازش بیشتری است.

این مقاله ابتدا پیش‌بینی پیامبر ﷺ را دربارهٔ ایجاد اختلاف میان امت، مطرح کرده و سپس ویژگی‌های اختلاف‌افکنان را از نگاه قرآن و سنت، بررسی می‌کند. آنگاه راهکار آیات الهی و روایات نبوی را برای رفع اختلاف تبیین می‌نماید.

الف) پیش‌بینی قرآن کریم و پیامبر ﷺ دربارهٔ اختلاف امت

آیات قرآن کریم، مسلمانان را به وحدت دعوت کرده است. مشهورترین آیه این موضوع «الاعتصام بحبل الله» است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِذ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى
شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ.^۲

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرت‌گاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید. این‌گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که راه یابید.

در این آیه، از زمانی سخن رفته که مردم یثرب با هم دشمن بوده و خون یکدیگر را می‌ریختند؛ اما به برکت حضور رسول الله ﷺ و دین اسلام، با یکدیگر برادر و مهربان شدند. این سخن الهی، وحدت را نعمت خداوند شمرده و تفرقه و دشمنی را موجب ورود به آتش می‌داند. از سوی دیگر، قرآن کریم از اختلاف میان امت‌های پیشین و امت پیامبر ﷺ سخن می‌گوید. آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ انعام به کسانی اشاره می‌کند که امت خویش را گروه‌گروه کردند:

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا
أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه‌فرقه شدند، تو هیچ‌گونه مسؤول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آنگاه به آنچه انجام می‌دادند آگاهشان خواهد کرد.^۳

راهکار وحدت امت همراه با ویژگی هدایت، در نگاه قرآن و سنت

۲. آل عمران، ۱۰۳.

۳. ترجمه‌های قرآنی از محمد مهدی فولادوند است که گاه با اصلاحاتی، می‌آید.

این آیه با زبان سرزنش و تهدید از اختلاف‌افکنان یاد کرده است. محدثان و مفسران اهل سنت، ذیل برخی از آیات قرآن که مسلمانان را از تفرقه و اختلاف، منع کرده، احادیثی نقل کرده‌اند که بیانگر اختلاف، انحراف و فتنه میان مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ است؛ سپس این گرفتاری‌ها را شبیه مشکلات امت‌های پیشین در غیبت یا پس از رحلت پیامبرانشان می‌شمرند.^۴ در صحیح بخاری از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمودند:

لَتَتَّبِعَنَّ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِيرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبِّ لَاتَّبَعْتُمُوهُمْ. قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ؟ قَالَ: فَمَنْ؟^۵

شما مسلمانان روش پیشینیان خود را وجب‌به‌وجوب و ذراع‌به‌ذراع در پیش خواهید گرفت؛ حتی اگر یکی از پیشینیان، داخل سوراخ سوسماری شده باشد، شما هم داخل می‌شوید. پرسیدیم: یا رسول‌الله، منظورتان از پیشینیان، یهود و نصارا است؟ فرمودند: بله، پس چه کسی است؟ در حدیثی دیگر آن حضرت به جزئیات بیشتری اشاره کرده و می‌فرمایند:

لَيَأْتِيَنَّ عَلَىٰ أُمَّتِي مَا أَتَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذَوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ ...
 إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَفَرَّقَتْ عَلَىٰ ثِنْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ مِلَّةً وَ تَفَرَّقَ أُمَّتِي عَلَىٰ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ مِلَّةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً.^۶

آنچه برای بنی‌اسرائیل پیش آمد، برای امت من هم پیش خواهد آمد ... بنی‌اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند، امت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد که غیر از یک فرقه، همه آنها اهل جهنم‌اند.

۴. حدیث افتراق امت به هفتاد و سه فرقه از چند صحابی و با اسناد صحیح در منابع معتبر اهل سنت روایت شده است؛ از جمله سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۴؛ سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۹۰؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۲؛ مسند ابن‌حنبل، ج ۲، ص ۳۳۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۱۲۹ و ج ۳، ص ۵۴۷؛ صحیح ابن‌حبان، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۱۵، ص ۱۲۵؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۱۰، ص ۲۰۸؛ معرفة السنن، ج ۷، ص ۴۳۰؛ مسند الشامیین، ج ۲، ص ۱۰۱؛ المعجم الکبیر (طبرانی)، ج ۸، ص ۲۷۳ و ج ۱۷، ص ۱۳ و ج ۱۸، ص ۵۱ و ۷۰؛ المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۷؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مسند ابی‌یعلی، ج ۱۰، ص ۳۱۷ و ۳۸۲ و ۵۰۲؛ السنّة (ابن ابی‌عاصم)، ص ۷ و ۳۲.
 ۵. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۵۱؛ التمهید (ابن عبد البر)، ج ۵، ص ۴۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۵؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۶۱؛ مسند ابی‌یعلی، ج ۱۱، ص ۱۸۲؛ تفسیر الطبری، ج ۱۰، ص ۲۵۵؛ تفسیر الثعلبی، ج ۵، ص ۶۶؛ تفسیر القرطبی، ج ۸، ص ۲۰۰.
 ۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۲۹.

طبرانی تفصیل دیگری از این مشابهت را با اسناد خود از نبی مکرم ﷺ نقل کرده که

فرمودند:

لَتَرْكَبَنَّ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ قَبْلَكُمْ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، لَا تُحْطُونَ
وَ لَا يُحْطَا لَكُمْ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، حَتَّى يَعْبُدُوا
عِجْلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَ عِجْلُ أُمَّتِي فُلَانٌ.^۷

شما مسلمانان رفتار پیشینیان از اهل کتاب را گام به گام پیشه خود می‌سازید؛ بی‌آنکه کمترین تفاوتی با آنها داشته باشید. شخصی گفت: ای رسول خدا، حتی همانند آنان گوساله‌پرست می‌شوند؟! پیامبر | فرمودند: آری! سپس فرمودند: گوساله امت من که مردم دنبال او می‌روند، فلانی است.

در این روایت نام آن فرد یا افرادی که جانشین گوساله سامری می‌شود، ذکر نشده بلکه به جای اسم از واژه مبهم «فلان» استفاده شده است.

بنابراین رسول الله ﷺ از اختلاف امت پس از خود، آگاهی کامل داشتند و ریشه‌های اختلاف را دانسته و فتنه افکنان را نیز می‌شناختند. ایشان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، وظیفه داشتند که امت را از این اختلاف برهانند؛ همان گونه که در آغاز هجرت خویش، اختلاف میان اوس و خزرج را با هدایت الهی، برطرف کردند. در آن روز، دو قبیله مشهور عرب که با یکدیگر پدرکشی و برادرکشی صدها ساله داشتند، به راهکار و فرمان پیامبر ﷺ، گردن نهادند و خویش را از ناامنی و ضعف سالیان دراز نجات دادند. همین پیامبر از سوی خداوند مأمور بودند که راهکار رفع اختلاف آینده را نیز تبیین فرمایند تا اگر امت به این فرمان، گردن نهاد، هدایت شود و اگر سخن رسول خدا ﷺ را برنتابید به میزان انحراف از آن، دچار گرفتاری‌هایی گردد که نتیجه اختلاف است.

ب) انگیزه‌ها و ویژگی‌های اختلاف افکنان

تفرقه‌انگیزان، گاهی از درون امت و گاهی بیرون امت هستند. غفلت از فعالیت این افراد، نه تنها دنیای مردم را خراب می‌کند، بلکه آخرت آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرآن کریم پیروان خویش را از تفرقه برحذر داشته و می‌فرماید:

۷. مسند الشامیین، ج ۲، ص ۱۰۰.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ
 أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.^۸

و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است. اختلاف‌افکنان با دیدن این آیه و آیه‌های دیگری چون این، بیدار نشدند و مسلمانان را از یکدیگر، جدا کردند. دقت در این آیه و مشابهات آن نشان می‌دهد که همواره، اختلافات، پس از آگاهی از راه‌حل‌ها و دیدن نشانه‌های روشن، توسط منحرفان ایجاد می‌گردد. آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ
 مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ
 فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ
 الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند، پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب خود را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که کتاب به آنان داده شد - پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم و حسدی که میانشان بود، هیچ‌کس در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آن چه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

بر پایه این آیه، پیامبران علیهم‌السلام راه‌حل اختلافات را نشان دادند و منحرفان پس از دیدن نشانه‌های روشن بر حقانیت راه رسولان، با هدف منحرف کردن دیگران از راه راست، در میان آنان ایجاد اختلاف کردند.

همین مفهوم در جایی دیگر از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا
 مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ
 سَرِيعُ الْحِسَابِ.^۹

در حقیقت، دین، نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب آسمانی به
 آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای
 آنان حاصل آمد، آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت. و هرکس
 به آیات خدا کفر ورزد، پس بداند که خدا زودشمار است.
 این دو آیه، حسد همراه با ستم (بغی) را ویژگی اختلاف افکنان شمرده است. در آیات دیگر،
 نشانه‌های بیشتری برای این افراد، ذکر شده است:

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا
 نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ
 يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ.^{۱۰}

آگاه باشید، آیین پاک از آن خداست و کسانی که به جای او دوستانی برای
 خود گرفته‌اند به این بهانه که ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به
 خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم، البته خدا میان آنان درباره آنچه که بر سر آن
 اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز
 ناسپاس است، هدایت نمی‌کند.

بر پایه این آیه، دومین و سومین عامل اختلاف را می‌توان دروغ‌گویی و انکار نعمت (کاذب
 کفّار) دانست. قرآن کریم کسانی که خداوند بلندمرتبه را انکار کرده و با توجیهی دروغین، بُتان را
 عامل نزدیک‌شدن به خدا شمرده‌اند، سرزنش می‌کند. هدف آنها حفظ بت‌ها بود؛ چراکه با بودن
 بُت‌ها، آنها نیز جایگاه اجتماعی و مالی خود را حفظ می‌کردند. اما با نابودی بت‌ها، جایگاه اجتماعی
 و اقتصادی آنها از دست می‌رفت. این گروه از فاسدان، که ویژگی‌شان نشان می‌دهد خارج از امت
 هستند، درصدد برمی‌آیند تا دیگران را به فساد بکشانند. راه ایجاد فساد، انکار نعمت‌ها و دروغ‌گویی
 است. این دو عامل، در درون امت نیز می‌تواند موجب انحراف شود. اگر گروهی از پیروان حق تحت
 تأثیر عوامل درونی یا بیرونی، نعمت‌های الهی را انکار کرده و به دروغ، کسانی را در جایگاهی که

راهکار وحدت امت همراه با ویژگی هدایت، در نگاه قرآن و سنت

۹. آل عمران، ۱۹.

۱۰. الزمر، ۳.

شایستگی آن را ندارند، بنشانند، دچار فساد فکری و عملی شده و از مسیر حق، منحرف گشته‌اند. بنابراین دومین و سومین عامل اختلاف میان امت، انکار نعمت و دروغ عملی (جایگاه‌دادن به افراد ناشایست) یا همان فساد فکری و عملی است.

«برتری جویی و قدرت‌طلبی» چهارمین عامل ایجاد اختلاف است. امام علی علیه السلام در بیان دل بستگی به دنیا و زرق و برق آن و فساد انگیزی، علت مخالفت مخالفان خویش را این گونه تبیین می‌فرماید:

كَاتَهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ
نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ
لِلْمُتَّقِينَ.^{۱۱}

بَلَىٰ وَ اللَّهُ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَ وَعَوَهَا وَ لَكِن حُلِّيَتِ الدُّنْيَا فِي
أَعْيُنِهِمْ وَ رَاقَهُمْ زِبْرُجُهَا.^{۱۲}

گویی آنها این سخن خدا را شنیده بودند که می‌فرماید: سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که نه خواهان برتری جویی و استکبار در روی زمین باشند و نه طالب فساد و عاقبت نیک از آن پرهیزکاران است.

سپس می‌افزایند:

آری به خدا سوگند سخن خدا را شنیده بودند و خوب آن را حفظ داشتند، ولی زرق و برق دنیا چشمشان را خیره کرده، زینتش آنها را فریفته بود. به گواهی منابع معتبر اهل سنت از جمله صحاح آنان^{۱۳} هنگامی که رسول مکرّم صلی الله علیه و آله صحابه خود را مخاطب قرار دادند و از آنها خواستند تا قلم و دوات حاضر کنند که مطلبی را برای جلوگیری از گمراهی آنان بنویسند، عمر بن خطاب نه تنها مانع اجرای دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله شد، بلکه نسبت

۱۱. القصص، ۸۳

۱۲. نهج البلاغة، خطبه ۳.

۱۳. ن. کذ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۷ و ج ۴، ص ۳۱ و ۶۶ و ج ۵، ص ۱۳۷ و ج ۷، ص ۹ و ج ۸، ص ۱۶۱؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۵۶۲؛ مسند ابن خنبل، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۳۶ و ۳۵۵؛ الاحکام (ابن حزم)، ج ۸، ص ۱۰۵۶ و ج ۷، ص ۹۸۴؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۴؛ السنن الکبری (نسائی)، ج ۳، ص ۴۳۳ و ج ۴، ص ۳۶۰؛ المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۰ و ۳۵۲؛ المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۲۸۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۴، ص ۲۹۸؛ مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ المصنّف (عبد الرزاق)، ج ۱۰، ص ۳۶۱ و ج ۶، ص ۵۷ و ج ۵، ص ۴۳۸؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۹، ص ۲۰۷.

به ساحت مقدّس نبی مکرم ﷺ کلماتی ناشایست روا داشت؛ گویی که او برتر از رسول خدا بوده و بیش از ایشان می‌فهمد! این واقعه به اندازه‌ای تلخ بود که هرگاه ابن عباس آن را به یاد می‌آورد، اشک از چشم‌هایش سرازیر شده و چون آن روز، پنجشنبه بود، مکرّر می‌گفت:

الْحَمِيسُ وَ مَا يَوْمُ الْحَمِيسِ.

وای از روز پنجشنبه! چه روزی بدی بود آن روز پنجشنبه!

آنگاه می‌گریست تا جایی که صورتش را اشک فرا می‌گرفت.^{۱۴}

اختلاف‌افکنان در میان پیروان ادیان الهی از نگاه قرآن کریم، افرادی ناآگاه نبودند؛ بلکه از جمله آگاهان و خواصّ امت خود بودند که روح حسد، دروغ، انکار نعمت و برتری‌جویی، آنان را به وادی گمراهی کشاند و آنگاه عوام ناآگاه و آگاهان غفلت‌زده و دنیاگرا یا ترسو را نیز به بیراهه خویش کشاندند. قرآن کریم می‌فرماید:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ.^{۱۵}

و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد، راه تفرقه پیمودند؛ آن هم به صرف

حسد و برتری‌جویی میان همدیگر.

در حقیقت، قرآن مجید، یکی از ویژگی‌های اختلاف‌افکنان را علم و آگاهی دانسته و در آیه

دیگری، اختلاف اهل کتاب را عبرتی برای مسلمانان شمرده و می‌فرماید:

وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ.^{۱۶}

اهل کتاب در دین خدا اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای

آنان آمد.

قرآن کریم اختلاف را موجب تباهی آخرت می‌شمرد. آیات کریمه ریشه‌های اختلاف میان

مسلمانان را «حسد»، «برتری‌جویی» و «دروغ» دانسته و در روایات به «قدرت‌طلبی» نیز به‌عنوان

مصادقی از «برتری‌جویی» اشاره شده است. از سوی دیگر، اختلاف‌افکنان کسانی آگاه به امور بوده

و در دنیا و آخرت، مسؤول، خواهند بود.

۱۴. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۳۱؛ مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ عمدة القاری، ج ۱۴، ص ۲۹۸؛ الاستذکار، ج ۸، ص ۲۴۵؛ امتاع

الاسماع، ج ۲، ص ۱۳۲.

۱۵. الشوری، ۱۴.

۱۶. البینة، ۴.

ج) چاره قرآن و سنت برای رهایی از اختلاف

خداوند از اختلاف میان امت‌های پیشین، آگاه بوده و به راهکار رفع تفرقه، علم دارد. لطف و فضل او موجب می‌شود که این راهکار را در اختیار امت آخر الزمان نهاده و عبرت‌های پیشینیان را در کتاب عظیمش، قرآن، بازگو فرماید. از آنجاکه یکی از صفات الهی «هادی» است، همه دستورهای خداوند در پرتو نور هدایت بوده و پذیرش و عمل به آن، سعادت را در پی خواهد داشت.

قرآن کریم برای پیش‌گیری از انحراف و حلّ اختلاف، در آیه ۵۹ سوره نساء راهکاری این‌چنین ارائه می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ
مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید. پس هرگاه در امری، اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به کتاب خدا و سنت پیامبر او عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

«فی شیء» مفهوم گسترده‌ای دارد. یکی از مصادیق «شیء» نزاع و اختلاف در تعیین مصداق اولی‌الامر است. در این صورت باید به پیامبر ﷺ رجوع کرد. اگر رسول خدا مصداق اولی‌الامر را معین و مشخص کرده باشند، همه باید پیروی کنند و کسی حقّ تمرد ندارد. حتی کسی نباید در برابر سخن پیامبر ﷺ حرف دیگری بگوید؛ زیرا:

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ
يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلَالًا مُّبِينًا.^{۱۷}

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هرکس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.

بر پایه آیات قرآن کریم، یکی از وظایف پیامبر ﷺ، بیان راه‌حل اختلافات است:

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى
وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.^{۱۸}

و ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنان توضیح دهی و آن برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی است.

اکنون پرسش این است، با توجه به اینکه قرآن کریم، اختلاف میان امت را مورد اشاره قرار داده و پیامبر ﷺ از آن آگاهی داشتند و از سوی دیگر، وظیفه ایشان، ارائه راهکار برای رفع اختلاف بوده است، آیا رسول خدا ﷺ برای رفع اختلاف آینده میان امت، چاره‌اندیشی کردند؟ اگر چنین کاری نکرده باشند، وظیفه رسالت خویش را به‌جای نیاوردند و اگر راه را نشان داده باشند، آن راه کدام است؟

احمد بن حنبل رئیس مذهب حنبلی و عالمان دیگر اهل سنت با عبارات مقارن و مفهوم واحد از امیرمؤمنان عاشق و دیگر صحابیان روایت کرده‌اند:

آن روزی که رسول خدا ﷺ بر اساس آیه شریفه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^{۱۹} مأمور شدند که رسالت خود را آشکار کنند، نزدیک چهل نفر از خویشان را در منزل جمع کرده، پس از آنکه خود را به‌عنوان رسول الله معرفی نمودند، فرمودند:

فَأَيُّكُمْ يُأْزِرُنِي عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ عَلَىٰ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاحْجَمِ الْقَوْمَ عَنْهَا جَمِيعًا، فَقُلْتُ: وَ إِنِّي لَأَحَدُهُمْ سِنًا... أَنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَكُونُ وَزِيرَكَ عَلَيْهِ. فَأَخَذَ بِرَقَبَتِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ إِسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ.^{۲۰}

۱۸. النحل، ۶۴.

۱۹. الشعراء، ۲۶.

۲۰. مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۲۴؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۲؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸۶.

چه کسی در انجام امر رسالت الهی به من کمک می‌کند تا او برادر و وصی و جانشینم باشد؟ همه از پذیرش یاری ایشان دور شدند جز من؛ درحالی که از جهت سببی از همه آنان کم‌سال‌تر بودم ... گفتم: در انجام رسالت الهی من به شما کمک می‌کنم. حضرت، گردن مرا گرفتند و فرمودند: بدانید که این، برادر و وصی و جانشینم در میان شماست؛ پس از او حرف‌شنوی داشته باشید و فرمائش را اطاعت کنید.

متقی هندی پس از نقل حدیث یادشده می‌نویسد:

این حدیث را ابواسحاق و ابن جریر طبری و ابن ابی‌حاتم رازی و ابن مردویه و ابونعیم و بیهقی در «الدلائل» نقل کرده‌اند.^{۲۱}

در روایت دیگری از انس بن مالک از نبی مکرم ﷺ آمده که آن حضرت به علی علیه السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ أَنْتَ الَّذِي تُبَيِّنُ لِأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بَعْدُ.^{۲۲}

ای علی، این تو هستی که پس از من، امتم را در اختلافاتشان، روشن و هدایت می‌کنی.

بنابراین رسول خدا ﷺ امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام را خلیفه خود و روشنگر امت، دانستند.

ایشان به عمّار یاسر و دیگران فرمودند:

يَا عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ، إِنْ رَأَيْتَ عَلِيًّا قَدْ سَلَكَ وَادِيًا وَ سَلَكَ النَّاسُ وَادِيًا غَيْرَهُ فَاسْلُكْ مَعَ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَنْ يُدْلِكَ فِي رُكْبَةٍ وَ لَنْ يُخْرِجَكَ مِنْ هُدًى.^{۲۳}

ای عمّار، هرگاه دیدی که علی به راهی می‌رود و مردم به راهی دیگر، با علی برو که او تو را به گمراهی نمی‌کشاند و از هدایت، خارج نمی‌کند.

برپایه این روایت، همراهی با امام علی علیه السلام، هدایت را در پی داشته و از گمراهی، جلوگیری

می‌کند. محتوای روایت، به‌روشنی نشان می‌دهد که در مواقع اختلاف میان امت، کدام راه، به هدایت منجر خواهد شد.

۲۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۲.

۲۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۲.

۲۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۷۲؛ البداية و النّهاية، ج ۷، ص ۳۴۰؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۸۹؛ المناقب (خوارزمی)، ص ۱۰۵ و ۱۹۴.

در روایتی دیگر، ابن عباس می‌گوید:

سَتَكُونُ فِتْنَةٌ فَمَنْ أَدْرَكَهَا مِنْكُمْ فَعَلَيْهِ بِخَصَلَتَيْنِ، كِتَابِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ
بِنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ وَ هُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَلِيٍّ:
هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي وَ هُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ
يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ هُوَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ
الظَّلْمَةَ وَ هُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ بَابِي الَّذِي أوتَى مِنْهُ وَ هُوَ خَلِيفَتِي
مِنْ بَعْدِي. ٢٤

به زودی فتنه‌ای روی می‌دهد. هر کسی گرفتار آن شد، به دو چیز پناه ببرد:
قرآن و علی بن ابی‌طالب. زیرا من از رسول خدا شنیدم در حالی که دست علی
را گرفته بودند، فرمودند: این علی، نخستین کسی است که به من ایمان آورده
و اول کسی است که در روز رستاخیز دستش در دست من خواهد بود. اوست
فاروق این امت که حق و باطل را از هم جدا خواهد ساخت و پناهگاه مؤمنان
است و مال، پناهگاه ستمگران. او صدیق اکبر و بابی است که برای رسیدن
به من باید از آن وارد شد. او جانشین من است.

همین گزارش از ابوذر نیز نقل شده است.^{٢٥} این روایات و مشابهات آن نشان می‌دهد که
پیامبر ﷺ، اختلاف امت را پیش‌بینی کرده و راهکار آن را تبیین فرمودند. برای رفع اختلاف،
می‌توان راه «وحدت در گمراهی» را پیمود و نیز می‌توان در مسیر «وحدت در هدایت» حرکت کرد.
محور این وحدت به فرمایش قرآن کریم و پیامبر ﷺ، خود رسول‌الله بوده و پس از ایشان، امام
علی علیه السلام است. آن رسول بصیر و هادی امت، محور وحدت را برای پس از امام علی علیه السلام نیز معین
فرمودند. بر اساس روایاتی که در منابع اهل سنت آمده، اهل بیت علیهم السلام همانند ستارگان، موجب
راهنمایی امت هستند. یکی از آن احادیث، چنین است:

٢٤. تاریخ دمشق، ج ٤٢، ص ٤٢.

٢٥. انساب الاشراف، ج ٢، ص ١١٨ و نیز ن. کذ المعجم الکبیر، ج ٦، ص ٢٦٩؛ تصحیح القرائة، ص ١٦٧؛ مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٠٢؛ الاصابة، ج ٧، ص ١٦٧؛ الاستیعاب، ج ٢، ص ٦٥٧ و ج ٤، ص ١٧٤؛ کنز العمال، ج ٦، ص ١٥٥؛ السیرة الحلیبیه، ج ٢، ص ٩٤؛ اسد الغابة، ج ٥، ص ٢٨٧.

النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَرَقِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي
 مِنَ الْإِخْتِلَافِ فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ فَصَارُوا حِزْبَ
 إبليس. ۳۶

ستارگان آسمان، موجب امان اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت
 من موجب امنیت امت من از اختلاف‌اند. بنابراین اگر قبیله‌ای از عرب با آنها
 مخالفت کنند، از حزب ابلیس شمرده می‌شوند.
 حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می‌نویسد:
 این، روایتی با اسناد صحیح است.
 در حدیث صحیح دیگری آمده:

النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَاهَا مَا يُوْعَدُونَ، وَ أَنَا
 أَمَانٌ لِأَصْحَابِي مَا كُنْتُ فِيهِمْ، فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَاهُمْ مَا يُوْعَدُونَ، وَ
 أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي، فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَاهُمْ مَا يُوْعَدُونَ. ۳۷

ستارگان باعث امنیت اهل آسمان‌اند که چون از میان بروند به ساکنان
 آسمان، آنچه وعده داده شده، می‌رسد و من امان برای اصحاب خود هستم،
 آنگاه که از این جهان بروم به آنان آنچه وعده داده شده، می‌رسد و اهل بیت
 من امان برای امتم هستند که چون از میان بروند، به اهل زمین آنچه وعده
 داده شده، می‌رسد.

بر اساس احادیث یادشده نبی مکرم ﷺ، اهل بیت ﷺ را محور اتحاد امت اسلام و همانند
 وجود مقدس خودشان باعث امنیت و آرامش میان امت معرفی کرده‌اند. این احادیث از جمله
 معجزات نبی مکرم ﷺ است؛ چه آنکه اختلاف و جنگ‌های خونین و خانمان‌براندازی که در میان
 امت اسلامی پس از رحلت آن حضرت به وجود آمد و جهان اسلام را با هم درگیر کرد، همه به‌خاطر
 مخالفت با اهل بیت ﷺ و کنارزدن آنها از هدایت امت بود. در حقیقت، رسول‌الله ﷺ با بصیرتی

۳۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۲؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۴۸ و ج ۳، ص ۴۵۷؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۱۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۵ و
 ج ۲۰، ص ۳۶۱؛ المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۳۶۸؛ مسند الشامیین، ج ۳، ص ۱۱۳.

الهی، این اختلاف‌ها را دیده و برای رفع آن چاره‌جویی کردند. از آنجاکه پیامبر ﷺ، مأمور «هدایت» امت و موجب «رحمت» برای مردم هستند، راهکارهای ارائه‌شده از سوی ایشان واجد این دو ویژگی بوده و پذیرش و رفتار بر پایه آن می‌تواند امت را سعادتمند کند. میزان راهیابی امت به مسیر خوش‌بختی بر پایه مقدار عمل به دستورات قرآن کریم و پیامبر ﷺ است. هرچه فرمان‌بری، بیشتر باشد، سعادت بیشتری، نصیب امت خواهد شد. ولی اگر گروهی، قصد فرمان‌بری نداشتند، تا جای ممکن باید آنها را ملزم به پیروی از قرآن و سنت کرد. در غیر این صورت، قرآن کریم، به راهکار صبر، امر فرموده است:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^{۲۸}

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

این آیه کریمه، اطاعت از خدا و رسول را لازم می‌داند و وحدت را بر محور این دو امر شمرده است. سپس دستور به صبر داده است که موضوع این صبر، در درجه اول، صبر بر اطاعت است. اما برپایه همین آیه و روش امیرمؤمنان ﷺ در برخورد با اختلاف‌افکنان (که در صورت یاری از سوی مردم، آنها را ملزم به تبعیت می‌کردند و در غیر این صورت، صبر، پیشه می‌نمودند) می‌توان صبر را بهتر از هدر دادن انرژی‌ها و امکانات و از دست‌دادن شوکت و قدرت و فرورفتن در ضعف و سستی بر اثر اختلاف، شمرد.

اکنون امت اسلامی، اهل بیت ﷺ را به‌عنوان بزرگان علمی، اخلاقی و معنوی، پذیرفته‌اند. این وحدت، نسبتی از نوع «وحدت بر پایه هدایت» بوده و به همین میزان نیز امت را در راهیابی، کامیاب می‌کند. بنابراین عمل به گفتارهای علمی و معنوی اهل بیت ﷺ می‌تواند به‌عنوان محور وحدت شیعه و سنی قلمداد شده و یافتن دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای این محور، مأموریت اصلی کنفرانس‌های وحدت باشد. حال اگر این وحدت، بیشینه‌ای فزون‌تر را نشان کند و اهل بیت ﷺ را بر پایه فرمایش قرآن و سنت، حاکم بر خویش قرار دهد، راهیابی امت نیز افزون خواهد گشت.

نتیجه

«وحدت هدایت پایه» در برابر «وحدت گمراه کننده» و «وحدت بر باطل» عامل پیشرفت امت اسلامی است. قرآن کریم اختلاف میان امت را پیش بینی کرده و با ارائه راهکار اصلی رفع اختلاف، همگان را به وحدت دعوت می کند. از نگاه آیات کریمه، مهم ترین راهکار رفع اختلاف، مراجعه به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است. هر راه مفروض دیگری، موقتی بوده و جامع نیست. اختلاف افکنان، کسانی هستند که ریشه های حسد، دروغ، برتری جویی و قدرت طلبی و به طور خلاصه، فساد عقیدتی و عملی را در درون خویش، پرورده و آگاهانه، مردم را گروه گروه می کنند. امروزه شعار درست و راه گشای وحدت امت اسلامی با گرد آمدن پیرامون اهل بیت علیهم السلام، قابل دستیابی است؛ چراکه شیعه و سنی، لزوم محبت به ایشان و جایگاه علمی و معنوی آنها را پذیرفته اند. می توان بر جایگاه علمی و معنوی اهل بیت علیهم السلام و محبت به ایشان، با اهل سنت به اتفاق نظر رسید و دستورات علمی و معنوی آنان را به عنوان برنامه همگانی مسلمانان اعلام کرد. این روش می تواند بزرگ ترین محور همایش های تقریب قرار گیرد.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، اول، ۱۴۱۵ق.
۲. الاحکام، ابومحمد علی بن حزم اندلسی، تحقیق احمد شاکر، قاهره، مطبعة العاصمة، دوم.
۳. الاستذکار، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر نمری، تحقیق سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۲۰۰۰م.
۴. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر نمری، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دارالجیل، اول، ۱۴۱۲ق.
۵. اسد الغابة، ابوالحسن علی بن ابی الکریم شیبانی (ابن اثیر)، تهران، اسماعیلیان.
۶. الاصابة، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
۷. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف.
۸. البداية و النهاية، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۸ق.
۹. تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تحقیق لجنة المحققین، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چهارم، ۱۴۰۳ق.

۱۰. تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمية، اول، ۱۴۱۷ق.
۱۱. تاریخ دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تحقیق علی شیرى، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۲. تفسیر التعلی، ثعلبی، تحقیق محمد بن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳. تفسیر الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تحقیق صدقی جمیل عطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. تفسیر القرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد قرطبی، تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۵. التمهید، یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر نمری، تحقیق مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر بکری، مغرب، وزارة عموم الاوقاف، ۱۳۸۷ق.
۱۶. السنة، عمرو بن ابی عاصم، تحقیق محمد ناصرالدین البانی، بیروت، المكتب الاسلامی، سوم، ۱۴۱۳ق.
۱۷. سنن ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن یزید قزوینی، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.
۱۸. سنن ابی داوود، ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۰ق.
۱۹. سنن الترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۰. السنن الکبری، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، تحقیق عبدالغفار سلیمان بندلری وسید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمية، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۱. السنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر.
۲۲. شواهد التنزیل، عبیدالله بن احمد (حاکم حسکانی)، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۳. صحیح ابن حبان، ابن حبان بستی، تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۴. صحیح مسلم، ابوالحسین مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق لجنة التحقیق، بیروت، دارالفکر.
۲۵. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دارصادر.
۲۶. کنز العمال، متقی بن حسام الدین هندی، تحقیق بکری حیانی و صفوة سقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۲۷. مجمع الزوائد، علی بن ابی بکر هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
۲۸. المستدرک علی الصحیحین، ابوعبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة.
۲۹. مسند ابی یعلی، ابویعلی موصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دارالمأمون.

۳۰. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر.
۳۱. مسند الحمیدی، ابوبکر عبدالله بن زبیر حمیدی، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۲. مسند الشامیین، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، مؤسسه الرساله، دوم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. المصنّف، ابوبکر عبدالرزاق بن همّام صنعانی، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی.
۳۴. المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق طارق بن عوض الله و عبدالحسن بن ابراهیم، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۳۵. المعجم الصغیر، سلیمان بن احمد طبرانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۶. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، دوم.
۳۷. معرفة السنن و الآثار، احمد بن حسین بیهقی، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۸. المناقب، موفق ابن احمد خوارزمی، تحقیق مالک محمودی، قم، جامعه مدرّسین، دوم، ۱۴۱۱ق.
۳۹. مقاله راهکارهای قرآنی وحدت و تقریب، عبدالصمد مرتضوی، دوفصلنامه جبل المتین، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۴۰. مقاله سیره اهل بیت (علیهم السلام) در ایجاد وحدت میان مسلمانان، سید حسن فلاحیان، فصلنامه میقات حج، ش ۹۵، بهار ۱۳۹۵ق.
۴۱. مقاله ضرورت و راهکارهای وحدت مسلمانان و تشکیل تمدن نوین اسلامی، حسن مهرنیا، دوفصلنامه اسفار، بهار و تابستان ۱۳۹۶.